



بهنیاز من، بهیاز من / بررسی دیبیریک در تراوی نقد

■ درس یازدهم

۴۲. ص ۵۴ س ۱: در ادامه بحث مقایسه آمده است، «در ادبیات عرفانی از این شیوه بسیار استفاده می شده است.» مؤلفان محترم کتابهای ادبیات فارسی مصلحت دیده اند که دانش آموزان در پایه سوم، با ادبیات عرفانی آشنایی پیدا کنند، بنابراین دانش آموزان پایه اول با ادبیات عرفانی آشنا نیستند.

۴۳. ص ۵۷ تکرار یک مطلب در یک درس از اشکالات تکراری کتاب است. در سطر (۴) این صفحه آمده است: «گروه اسمی - همچنان که در درسهای پیشین دیدیم - در جایگاههای نهاد، متمم، مفعول و... به کار می رود.» در سطر (۱۶) نیز همین مطلب تکرار شده است. این در حالی است که همان گونه که در جمله مذکور نیز دیده می شود این مطلب در درسهای گذشته نیز گفته شده است.

۴۴. همان: می دانیم که ضمیر نیز به لحاظ جانشینی اسم می تواند هسته گروه اسمی واقع شود پس جا دارد که در جمله «گروه اسمی از یک اسم به عنوان هسته تشکیل می شود و می تواند یک یا چند وابسته داشته باشد»، این موضوع لحاظ گردد.

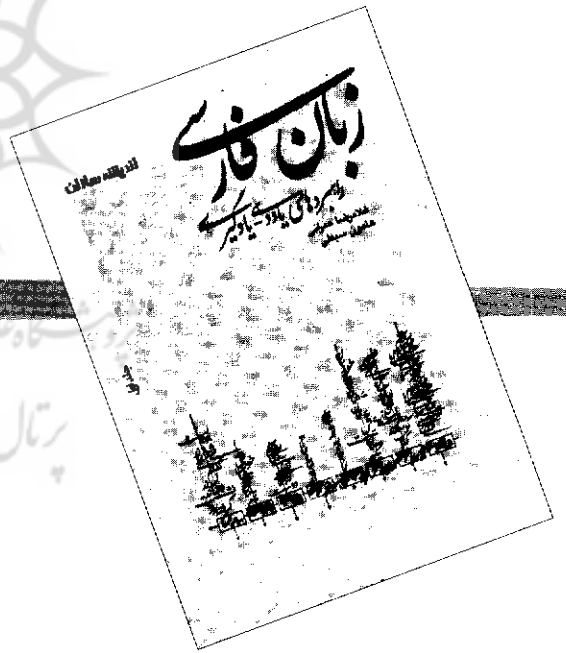
۴۵. ص ۵۸، قسمت اسم آمده است: «اسم، نشانه ویژه ای با خود ندارد اما با یکی از راههای زیر شناخته می شود.» آنگاه سه روش از چهار روشی که برای شناخت اسم، مطرح شده است که همراه شدن

آن با یکی از وابسته های پیشین صفت اشاره و پسین. نشانه جمع و «ی» نکره است. راه چهارم به کار رفتن اسم در جمله به عنوان نهاد، مفعول، متمم و... است. چه تفاوتی باعث و دلیل انتخاب وابسته های مذکور از دیگر وابسته های پیشین و پسین شده است؟ آقایان دکتر غلامرضا ارزنگ و علی اشرف صادقی در توصیف اسم مرقوم فرموده اند: «اسم می تواند وابسته های پیشین یا پسین بپذیرد و گروه اسمی تشکیل دهد: این کتاب، هر خانه، چه کس؟ کدام کتاب؟ دو مرد، خانه ما، خانه خوب...» همان گونه که دیده می شود برای شناخت اسم هیچ تفاوتی بین وابسته های اسم وجود ندارد.

از طرف دیگر جمله «می توان اسم را جمع بست» دقت لازم را ندارد، چون فعل و ضمیر نیز جمع بسته می شوند. برای رفع این اشکال باید جمله را کامل کرد و مثلاً گفت اسم کلمه ای است که بتوان آن را با نشانه های خاص اسم جمع بست.

همچنین در مثالهای همین قسمت، در استفاده از رنگهای یکسایان عمل نشده است. در مثال شماره یک، اسمها و نشانه های جمع آنها رنگی چاپ شده است، در مثال مورد دوم و سوم فقط علامت نکره و «این» و «آن» رنگی چاپ شده اند، در مثال مورد چهارم، همه جمله رنگی چاپ شده است.

۴۶. ص ۵۹: در ضمن ویژگیهایی که برای اسم مطرح شده،



۴۹. ص ۶۱، س ۷: جمله «همه پسرها، پسر و همه همسایه‌ها، همسایه هستند.» یعنی چه؟ با این شکل جمله نمی‌توان اسم عام را توجیه کرد.

۵۰. همان: درباره ویژگی خاص برای اسم آمده است «اسم خاص نه نکره می‌شود و نه جمع بسته می‌شود.» اما دسته‌ای از اسمهای خاص، در هنگام لزوم نکره می‌شوند و در صورت نیاز نشانه‌های جمع را نیز می‌پذیرند، بدون اینکه نظایر و مثل و مانند آن مدنظر باشد. مثلاً هرگاه گفته شود این سخنان را زیدی به عمرو می‌گفت، «زید» و «عمرو» هر دو اسم خاص هستند و نشانه نکره نیز پذیرفته‌اند یا اگر در مجلسی گفته شود به «علی‌ها» جایزه می‌دهند «علی» اسم خاص جمع است.

■ درس سیزدهم

۵۱. ص ۶۶، قسمت فعالیت: جمله «از متن درسهای هفت تا دوازده کتابهای زبان و ادبیات (۲) املا بنویسید» همپای تغییرات کتاب و نظام آموزشی تغییر نکرده است. جمله مزبور می‌بایست به صورت از متن درسهای هشت تا سیزده کتابهای زبان و ادبیات (۱) املا بنویسید، تغییر پیدا می‌کرد.

۵۲. همان: برخی از گروه کلمه‌های درس، مربوط به درس

دیدگاه ساخت نیز از ویژگیهای اسم دانسته شده است، در حالی که کلمات دیگر چون صفت، فعل، قید و... را نیز از این دیدگاه بررسی می‌کنند.

۴۷. همان: جمله «اسم یکی است یا بیشتر» نیز دقت کافی را ندارد. بدون تردید نظر مؤلفان گرامی این بوده است که اسم یا بریک پدیده دلالت می‌کند یا بر بیشتر از یک پدیده، که در این صورت نیز اسم از دیدگاه شمار تعریف شده است نه توصیف که مبنای روش مؤلفان بوده است.

۴۸. همان، س ۱۹: نشانه جمع «ین» برخلاف نشانه‌های دیگر رنگی چاپ نشده است.

بعدی است. مانند: صور خیال، قرا و دهات، قلاع و دژها، طبیعت قهار، چشمه و قنات و...

■ درس پانزدهم

۵۳- ص ۷۷: مثال و نمونه چهارم از خودآزمایی شماره چهار، مربوط به قسمتی از سفرنامه ناصر خسرو می شود که در کتاب ادبیات فارسی آنها نیز آمده است. شایسته است با مثال یا مثالهای دیگری از همین کتاب یا متون دیگر تعویض گردد.

■ درس شانزدهم

۵۴- ص ۷۸: مثال شماره یک و هشت، یک نوع وابسته را نشان می دهند. مناسب تر خواهد بود مثال شماره هشت، نشان دهنده وابسته دیگری مثلاً صفت شمارشی پسین باشد.

۵۵- همان: همان گونه که در شماره (۴۴) گفته شد، ضمیر نیز به لحاظ جانشینی اسم می تواند هسته گروه اسمی واقع شود.

۵۶- ص ۷۹: قسمت اول مثال صفت اشاره مناسب نیست، زیرا کلمه بعد از «این» خود از وابسته هاست نه هسته. این موضوع در برخی از مثالهای وابسته های دیگر نیز دیده می شود. مثالهای ساده در آغاز هر موضوع، امر یادگیری را تسهیل می کند.

۵۷- همان: مبحث صفت پرسشی: بافت کلام این ذهنیت را برای خواننده پیش می آورد که فقط کلمات «کدام»، «چند» و «چه» صفت پرسشی هستند.

در حالی که می دانیم کلماتی نیز که با این واژه ها ساخته می شوند نظیر چگونه، چطور، کدامین، چندمین و... صفت پرسشی محسوب می شوند.

۵۸- ص ۸۰، مبحث صفت شمارشی: در هیچ کدام از کتابهای زبان فارسی پایه های سه گانه از صفت شمارشی کسری سخنی به میان نیامده است.

۵۹- ص ۸۱، مبحث صفت مبهم: بافت کلام این قسمت نیز این ذهنیت را پیش می آورد که فقط کلمات «هر، هیچ، همه و فلان» صفت مبهم اند در حالی که تعداد صفحات مبهم خیلی بیشتر از این کلمات است.

همچنین برخی از همین واژه ها نیز مانند «همه»، همیشه در صورت همراهی با اسم صفت مبهم نیست و قواعد خاص خود را دارد که در هیچ یک از کتابهای درسی زبان فارسی نیامده است.

نگارنده معتقد است کلمات «هر، هیچ و همه» صفت مبهم نیستند. توضیح این مطلب را جهت طولانی نشدن این نوشته به فرصت و مقالتهای دیگر وامی گذارد.

■ درس هفدهم

۶۰- ص ۸۵: ش (۲) ارتباط مستقیمی با ساده نویسی ندارد. با هم آن را مرور می کنیم: «اگر می خواهید مطلبی را نقل کنید که از دیگری شنیده اید، ابتدا آن را خوب بفهمید و هضم کنید؛ آن وقت فهمیده های خود را به زبان خودمانی بنویسید. در صورتی که بخواهیم شنیده ها و خواننده هایمان را با پاره ای از نقل قولها به سخنان خود وصله بزنیم، خواننده تیزبین به سرعت پی می برد که آنچه می خواند، حرف ما نیست و متعلق به دیگری است.»

توضیح این مطلب در کتاب سال دوم، درس روش تحقیق، آمده است.

۶۱- ص ۸۸، بیاموزیم: با توجه به اینکه صامتها و مصوتها برای اولین بار در درس ۲۴ مطرح می شوند آمدن این بیاموزیم پس از آن

درس هماهنگی بیشتری بین مطالب کتاب به وجود خواهد آورد. ۶۲- ص ۸۹: تمرین و خودآزمایی شماره (۵) مربوط به بیاموزیمی می شود که در چاپ ۸۰ و پس از آن حذف شده است.

■ درس هجدهم

۶۳- ص ۹۰، س ۱: جمله «چنان که دیدیم» در چاپهای قبل از (۸۰) عطف به جدول وابسته های پیشین و پسین اسم که در پایان درس شانزدهم قرار داشته، بوده است. این جدول، از چاپ (۸۰) پس از مطالب درس مورد بحث آمده است. بنابراین با حذف معطوف علیه، دلیلی برای وجود معطوف باقی نمی ماند.

۶۴- ص ۹۱: تفاوتهای ترکیب اضافی و وصفی، بدون هیچ عنوان و توضیحی آمده اند.



■ درس بیستم

۶۵- ص ۱۰۰، س ۳: ضمیر مبهم «دیگران»، برای مشخص شدن به صورت رنگی چاپ شده است، اما در درس ضمیر مبهم مورد بحث قرار نگرفته است.

۶۶- همان، انواع ضمیر: سبک و سیاق کلام این قسمت نیز این ذهنیت را ایجاد می کند که ضمیرها به چهار دسته مشخص، مشترک، اشاره و پرسشی تقسیم می شوند، در حالی که ضمیر انواع دیگری نیز دارد.

۶۷- ص ۱۰۱، ضمیر شخصی: در تعریف ضمیر شخصی گفته شده است: «ضمیر شخصی جانشین اسم می شود.» این تعریف با تعریفی که از ضمیر شده است هیچ تفاوتی ندارد. به دیگر سخن کدام یک از ضمیرها، جانشین اسم نمی شوند؟

* نگارنده در مورد ضمیر مشترک نیز نظری غیر از آنچه در کتابهای درسی و دستوری ارائه شده است دارد که بیان آن را نیز به

فرصت و مقالتی دیگر واگذار می‌کند.

۶۸. ص ۱۰۲، ضمیر اشاره: در برخی موارد، مطالب کتاب بیش از حد خلاصه و تستی شده است، ایجاز بیش از حد، موجب نقصان کلام می‌شود. تاکنون موارد مختلفی در این زمینه ارائه شده است؛ اکنون نمونه‌ای دیگر:

در تعریف ضمیر اشاره آمده است: «واژه‌های این و آن ضمیر اشاره‌اند.»

پیداست که واژه‌های این و آن در هر صورت ضمیر اشاره نیستند. این واژه‌ها بی‌همراهی اسم و داشتن مرجع معین ضمیر اشاره‌اند، در غیر این صورت ممکن است صفت اشاره یا ضمیر مبهم باشند.

■ درس بیست و یکم

۶۹. ص ۱۰۵: مطالب این درس درباره گویندگان همه لهجه‌ها صدق نمی‌کند. درست است که ملاک، لهجه معیار است، اما مردم هر شهر به لهجه خود سخن می‌گویند و در کلاس تدریس می‌کنند و املا می‌گویند. به دیگر سخن اگر در لهجه‌ای برای هریک از واجهای (ع-۶) صدای خاصی وجود داشته باشد دانش‌آموزان آن منطقه در نوشتن کلماتی که این صداها در آنها به کار رفته است مشکلی ندارند.

۷۰. همان: تا آنجا که می‌دانم متخصصان علم تعلیم و تربیت بر ارائه پاسخ هر سؤال در همان جلسه‌ای که سؤال طرح شده است سخت تأکید می‌ورزند و معتقدند که اگر به هر دلیل امکان پاسخگویی وجود ندارد باید از طرح سؤال خودداری کرد. این دیدگاه در تنظیم این درس منظور نشده است. زیرا پاسخ سؤالی که در این درس طرح شده است در دروسهای بیست و یک و بیست و شش کتاب سال دوم ارائه شده است.

۷۱. ص ۱۰۶، فعالیت: قسمت فعالیت این درس نیز، همپای تغییرات کتاب و نظام آموزشی تغییر نکرده است، جمله «از متن دروسهای سیزده تا هجده کتابهای زبان و ادبیات فارسی (۲) املا بنویسید» لازم است به صورت: از متن دروسهای چهارده تا بیست و یک کتابهای زبان و ادبیات (۱) املا بنویسید تغییر یابد.

۷۲. در قسمت «گروه کلمه‌ها برای املا شماره سه»، کلمه‌های «تفحصات»، «غنی» و «علامه» به اشتباه به صورت «تفحصات»، «غنی» و «علامه» چاپ شده است.

۷۳. ص ۱۰۸، پیام‌وزیم: آمدن این پیام‌وزیم پس از درس (۲۴) امر یاددهی و یادگیری را آسان‌تر می‌کند.

■ درس بیست و دوم

۷۴. ص ۱۰۹، س ۹: موضوع نامه مثال، قبل از سرآغاز، باسمه تعالی، آمده است که خلاف اصول نامه‌نگاری و مطالب کتاب است.

۷۵. ص ۱۱۰، س ۲-۴: مشخصه دوم نامه‌های اداری با ویژگی اول آن تفاوت چندانی ندارد. در ویژگی اول آمده است نامه‌های اداری متن کلیشه‌ای و قالبی دارند و در ویژگی دوم گفته شده است: «برای نوشتن این گونه نامه‌ها از کلمات خاصی استفاده می‌کنیم.»

۷۶. همان، س ۵: در جمله: «نامه رسمی و اداری از چند قسمت [زیرا] تشکیل می‌شود.» ترکیب نامه رسمی و اداری این ذهنیت را به وجود می‌آورد که همه انواع نامه‌های رسمی و اداری، قسمتهای اعلام شده را دارا هستند، در حالی که نامه‌های تبریک، تسلیت و... فاقد قسمت «موضوع» و «کلمه احترام» هستند.

۷۷. همان: بعضی از نکاتی که توجه به آنها در هنگام نوشتن نامه

رسمی و اداری توصیه شده است اختصاص به این نوع نامه‌ها ندارد، بلکه رعایت آنها در هر نوع نامه، یا اصلاً هر نوع نوشته ضروری است. مانند مورد چهارم و پنجم که سفارش می‌کند: «کاغذ باید تمیز، مقاوم و در اندازه‌ای معین باشد» و «باید بدون خط خوردگی باشد و حتماً پاک‌نویس شود. رعایت نشانه‌گذاری، بند (پاراگراف) و حاشیه‌گذاری ضروری است.»

۷۸. ص ۱۱۱، اولین نامه: در نامه‌های اداری معمولاً نگارنده برای خود از فعل به صیغه سوم شخص مفرد استفاده می‌کند، مثلاً به جای «خواهشمندم» خواهشمند است را به کار می‌برد. امری که در نمونه بعدی رعایت شده است.

۷۹. ص ۱۱۲، نامه تبریک: همان گونه که در کتاب سال دوم، بحث کاربرد مؤدبانه ضمیر مطرح شده، استفاده از ضمیر دوم شخص جمع به جای ضمیر دوم شخص مفرد مؤدبانه‌تر و محترمانه‌تر است. همین مورد در ص ۱۱۴ س ۱ نیز وجود دارد.

۸۰. ص ۱۱۴، نامه دوم، نامه تبریک است نه پیام تشکر.

■ درس بیست و سوم

نگارنده نقد بحث گروه قیدی در کتابهای درسی را نیز به لحاظ اهمیت آن به فرصت و مقالتی دیگر می‌سپارد که امید است به زودی فراهم گردد.

■ درس بیست و پنجم

۸۱. تکرار کلام اگر برای تأکید نباشد از عیوب فصاحت شمرده می‌شود. دو سطر پایانی ص ۱۲۶ و سه سطر اول ص ۱۲۷ تکرار یک پیام است به صورتهای متفاوت و ظاهراً تأکیدی هم در کار نیست: «اگر بخواهیم برای این گونه نامه‌ها [نامه‌های خصوصی و دوستانه] ویژگی‌هایی قائل شویم، اساسی‌ترین ویژگی آنها این است که تقلیدی نیستند... ویژگی دیگر این نامه‌ها قالبی نبودن آنهاست. نامه خصوصی را هرکس به شیوه دلخواه خود شروع و ختم می‌کند. متن این نامه‌ها نیز با یک دیگر متفاوت است.»

۸۲. جمله‌هایی که در ص ۱۲۷، به عنوان نمونه برای آغاز و پایان نامه آمده است معلوم نیست نظر مؤلفان بر عالی و ابتکاری بودن آنهاست یا قالبی و تقلیدی بودن آنها؟

۸۳. ص ۱۲۸، فعالیت: متن دوم اصلاً مناسب نیست، زیرا غلطهای بسیاری دارد چون: «بی تفاوتی را به حد اعلای رساندن».

■ درس بیست و ششم

۸۴. متن فعالیت این درس نیز، هم ردیف تغییرات کتاب و نظام آموزشی تغییر نکرده است. می‌بایست به شکل از متن دروسهای بیست و دوم تا آخر کتابهای زبان و ادبیات (۱) املا بنویسید، تغییر می‌کرد.

■ درس بیست و هفتم

۸۵. نقش نبودن صفت و جمله‌های وابسته، با اعتقاد به نقش نما بودن کسره اضافه و حروف ربط وابسته ساز تناقض دارد. نگارنده معتقد است اگر کسره اضافه را برای مضاف‌الیه، نقش نمای اضافه و برای صفت، نشانه اضافه (اضافه شدن صفت به موصوف) و حروف ربط وابسته ساز را نشانه وابستگی بدانیم، این تناقض برطرف می‌گردد.

پانوش:

۱. دستور سال چهارم، رشته فرهنگ و ادب، چاپ ۱۳۶۳، ص ۲۳.